

## فساد و حکمرانی خوب در کشورهای عربی: مطالعه وضعیت امارات متحده عربی

یوسف خلیفه الیوسف، «در امة حالة الامارات المتحدة: العربية»، فی: الفساد و الحكم الصالح فی البلاد العربية، مرکز دراسات الوحدة العربية، بیروت، الطبعة الاولى، ۲۰۰۴.

### عبدالرضا همدانی

پژوهشگر مرکز پژوهشهای علمی  
و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

کشور امارات متحده عربی در سال ۱۹۷۱ با هفت امارت که دارای ثروت و جمعیت متفاوتی بودند و عبارتند از: ابوظبی، دبئی، شارجه، عجمان، ام قیوین، فجیره و رأس الخیمه تأسیس شد. طبق آخرین آمار، جمعیت امارات ۳/۶ میلیون نفر است که ۷۵ درصد آن را اتباع دیگر کشورها تشکیل می دهند. تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۲ حدود ۷/۱ میلیارد دلار بود که ۵۱ درصد آن سهم ابوظبی، ۲۵ درصد دبئی، ۹ درصد شارجه، ۲/۸ درصد رأس الخیمه و مابقی سهم دیگر امارتها بوده است.

برآوردهای صندوق بین المللی پول نشان می دهد که میانگین درآمد سرانه در سال ۲۰۰۲ در این کشور ۱۹۶۱۳ دلار بوده است. ذخایر نفتی امارات در حدود ۹۷/۸ میلیارد بشکه است. صادرات نفت ۴۵/۷ درصد از مجموع صادرات را شامل می شود و درآمد نفت ۶۳/۳ درصد از مجموع درآمدهای امارات را دربر می گیرد. اقتصاد امارات جزو بیشترین اقتصادهای ادغام شده در اقتصاد جهانی است، به طوری که سهم تجارت خارجی (صادرات + واردات) از تولید ناخالص ملی به بیش از ۱۲۵ درصد می رسد که این نسبت در تمام معیارهای منطقه ای و بین المللی بالاست.

### علل و نشانه های فساد در امارات متحده عربی

نخستین عاملی که تمامی شکل های فساد در امارات و دیگر کشورهای خلیج [فارس] از آن ناشی می شود، شهروندی ناقص است. منظور از شهروندی ناقص رابطه میان دولت و شهروندان است که برپایه تبعیت، و نه مشارکت می باشد. شهروندی در واقع یک نوع شراکت است که

حق تصمیم‌گیری، اعتراض، رأی دادن و تغییر حاکمان و دیگر حقوق را شامل می‌شود. اما رابطه کنونی میان دولت و ملت امارات به گونه‌ای است که شهروندان را تبدیل به شهروندان درجه دو کرده است. شهروند در اینجا همچون کارمندی است که مزد و برخی امتیازها را دریافت می‌کند، ولی هیچ قدرت تصمیم‌گیری درباره سیاستهای مهم شرکت را ندارد. این رابطه نابرابر و شهروندی ناقص بر نحوه استفاده دولت از قدرت و ثروت جامعه تأثیر گذاشته است. این دولت نه همچون نظام قبیله‌ای سابق که در آن شیوخ قبایل توان ایستادگی در برابر یکدیگر را داشتند، و نه مثل نظامی شورایی و یا شکلی از دموکراسی معاصر اداره می‌شود. به جای آن، این دولت و دیگر دولتهای خلیج [فارس] تنها به دنبال یک هدف که همانا باقی ماندن در قدرت است، می‌باشند و برای حفظ این قدرت گاهی برخلاف منافع جامعه و نسل کنونی و آینده عمل می‌کنند. این تضاد منافع میان دولت و جامعه، محیط را برای رشد و گسترش فساد فراهم و امکان معالجه آن را سخت‌تر کرده است. آنچه باعث شده تا شهروندی ناقص ادامه پیدا کند و از

قدرت و ثروت سوء استفاده شود، پذیرش این وضعیت از سوی شهروندان و عدم اعتراض به آن به دلیل جهل، کوتاه‌نظری و یا توجه به منافع آنی به جای آینده‌نگری است.

زمانی که کشور امارات تأسیس شد، فرصت خوبی برای عملکرد درست دولت وجود داشت؛ به ویژه در دوره‌ای که بسیاری از فرهیختگان، پستهای سیاسی و اداری مهمی را در اختیار گرفتند، این فرصت فراهم شد، اما عملکرد این گروه فرهیخته بسیار پایین‌تر از سطح مطلوب بود. این فرهیختگان یا دارای دیدگاههای حزبی، قومی و اسلامی تنگ‌نظرانه بودند و در نتیجه دیگران را دفع کردند و یا اینکه پستها را برای ثروتمند شدن و ثروت‌اندوزی اشغال نمودند. این فرهیختگان به جای آنکه روح جدیدی برای تغییر و تصحیح وضعیت حکومت ایجاد کنند، یا سکوت اختیار کردند یا اینکه به دفاع از اشتباهات دولت پرداختند. احساس دولت به اینکه قدرت مطلقه است و ملت در تصمیم‌گیری و ثروت جامعه هیچ سهمی ندارد، شرایط را برای سوء استفاده از اموال عمومی کاملاً مهیا کرده و مانع از شکوفایی و ثبات کشور بر پایه شهروندی کامل شده

است. در نتیجه جلوه های مختلفی از فساد در همه زمینه ها پدیدار شده است که مهم ترین آنها به شرح زیر می باشد:

۱. فساد قضایی: سمتهای قضایی و مسئولیتها در این قوه براساس فهم قوانین، تجربه، پاکدامنی در اجرا و استقلال قوه قضاییه از قوه مجریه نیست، بلکه برای تبعیت از دولت، اجرای دستورات حاکمان و دور زدن قوانین می باشد. برای مثال، اجرای یک حکم در یک پرونده معمولی در امارات تا ۵۵۹ روز به طول می انجامد، در حالی که این مورد در تونس تنها ۷ روز، در عربستان سعودی ۱۹۵ روز، در اردن ۱۴۷ روز، در یمن ۲۴۰ روز، در مصر ۲۰۲ روز، در مالزی ۲۷۰ روز، در سوریه ۵۹۶ روز و در لبنان ۷۲۱ روز به طول می انجامد! این آمار نشان می دهد که دولت امارات، سوریه و لبنان در ذیل فهرست دولتهای عربی از لحاظ صلاحیت و کفایت سیستم قضایی قرار دارد ولی امارت دبی، توانست استقلال نسبی سیستم قضایی خود را از قدرت اتحادیه امارات متحده عربی حفظ کند؛ زیرا حاکم سابق دبی - مرحوم شیخ راشد بن سعید المکتوم - بر استقلال سیستم قضایی دبی به

عنوان رکن اصلی شکوفایی تجارت در دبی تأکید داشت و همین امر عامل اصلی موفقیتهای کنونی دبی است. ضمن آنکه بسیاری از شرکتهای و مؤسسههایی که در امارات فعالیت دارند، اصرار می ورزند که قضایا و پرونده های خود را به سیستم قضایی و دادگاههای دبی ارایه دهند.

۲. سوءاستفاده دولت از رسانه های گروهی: رسانه های گروهی رسمی که به تحریف واقعیتها، نابودی ارزشها، شستشوی مغزها، تبلیغ و تمجید از دولت و پرواز در ورای دغدغه های جامعه می پردازند، نشانگر سوءاستفاده دولت امارات از این رسانه ها پس از مداخله در سیستم قضایی می باشد. در این رسانه ها تمامی معایب و معضلات جهان منعکس می شود، اما هرگز صحبتی از چالشهای درون جامعه نظیر فساد اداری و مالی، تفاوت سطح زندگی شهروندان، بیکاری میان فارغ التحصیلان، سستی دستگاه اداری، کاهش کیفیت خدمات بهداشتی، نبود آزادی بیان و مشارکت سیاسی، اتلاف اموال عمومی، ضعف نظام آموزشی، دخالتهای مستمر در قوه قضاییه، شکست شوراهای اتحادیه امارات و غیره

نمی‌کنند. پژوهش‌های اخیر «شبهی تلحمن» استاد دانشگاه مریلند، که با همکاری مؤسسه آمریکایی «داگبی» انجام شد، نشانگر سطح بی‌اعتمادی مردم به رسانه‌های گروهی رسمی در امارات و دیگر کشورهای عربی است. براساس این پژوهش، اعراب شبکه ماهواره‌ای الجزیره و سپس شبکه ماهواره‌ای العربیه را به عنوان بهترین منبع دریافت اطلاعات و اخبار معرفی کرده‌اند و به دنبال آن برای دریافت نقطه نظرات دیگر به CNN و BBC رجوع می‌کنند. البته باید متذکر شد که تلویزیون شارجه به خاطر ارایه برنامه‌هایی هدف‌دار که با نیازهای جامعه هم‌خوانی دارد، در میان رسانه‌های گروهی امارات یک استثنا به حساب می‌آید.

### ۳. ضعف نظام آموزشی: دولت

امارات به نظام آموزشی فرصت‌نهاد تا به نقش پیش‌تاز خود در رشد نسلی در فضایی از آزادی، ابتکار و خلاقیت عمل کند؛ برای مثال دانشگاه امارات متحده عربی در نخستین سالهای تشکیل این کشور شکل گرفت و توانست در سالهای آغازین جمعی از نخبگان عرب را به خدمت گیرد، اما پس از

مدتی تصمیم‌گیرهای فردی بر این دانشگاه حاکم شد و نقش مدیر دانشگاه، رؤسای دانشکده‌ها و گروه‌های علمی حالتی ظاهری یافت و در نتیجه طی بیست سال اخیر این دانشگاه در یک حالت رکود و ایستایی قرار گرفته است. دانشکده‌های فنی و دانشگاه زاید نیز برخلاف تمام هیاهوهای تبلیغاتی و هزینه‌هایی که صرف آن می‌شود، مهارت و توانمندی فارغ‌التحصیلانشان متناسب با نیازهای بازار نیست. این نظام آموزشی مهم‌ترین مسئول بیکاری در سالهای اخیر است؛ زیرا با افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان، دیگر بخش دولتی قادر به جذب آنها نیست و از سویی دیگر، توان علمی و مهارت‌های کاربردی آنان به گونه‌ای نیست که جذب بخش خصوصی شوند. در این میان، بازم امارت شارجه با تأسیس دانشگاه شارجه و افتتاح دانشگاه آمریکایی در شارجه که مدت تأسیس آنها از ده سال نمی‌گذرد، با ارتقاء سطح علمی و فرهنگی، نه تنها در سطح امارات بلکه در سطح جهان عرب یک استثنا به حساب می‌آید.

### ۴. هزینه‌های گزاف نظامی:

چهارمین جلوه سوء‌استفاده از قدرت،

هزینه‌های گزاف و بیهوده نظامی است که به معنای آتش زدن ثروت می‌باشد. میلیاردها دلار صرف خرید اسلحه در کشوری می‌شود که از دولتهای هم‌مرز و رویارو با اسرائیل نیست. براساس آمارهای موسسه «سپیری»، هزینه‌های نظامی دولت امارات طی سالهای ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۳ با قیمتهای ثابت سال ۲۰۰۰ نزدیک به ۴۲ میلیارد دلار می‌باشد، یعنی میانگین سالانه این هزینه‌ها ۲/۶ میلیارد دلار بوده است. به عبارت دیگر، در شانزده سال گذشته پنج درصد از تولید ناخالص ملی صرف چنین هزینه‌ای شده است. در این میان، مسابقه تسلیحاتی هیچ کشوری با امارات متحده عربی رقابت نمی‌کند مگر عربستان سعودی که طی همین مدت ۲۸۱ میلیارد دلار صرف هزینه‌های نظامی کرده است. ضمن آنکه درآمد سرانه در عربستان سعودی در دهه نود میلادی به یک سوم درآمد دهه هفتاد کاهش یافت. به علاوه، تمامی کشورهای شورای همکاری خلیج [فارس] از نیمه دهه نود با بیکاری مضاعفی در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهها مواجه شدند که میزان آن در عربستان سعودی حدود ۲۵ درصد برآورد

شده است. متأسفانه دولت امارات و دیگر دولتهای خلیج [فارس] از تحولات به وجود آمده در منطقه که از آغاز دهه هفتاد میلادی تاکنون ادامه دارد، درسهای لازم را فرا نگرفته‌اند. مهم‌ترین درس این است که هزینه‌های نظامی به تنهایی تضمین‌کننده امنیت نیستند و بهترین مثال برای آن اشغال کویت از سوی عراق بود. امروزه مفهوم امنیت تنها دارای بعد نظامی نیست، بلکه ابعاد مختلفی دارد؛ از جمله، تقویت جبهه داخلی از طریق نظامی سیاسی که مشروعیت خود را از ملت، نظام اقتصادی پیشرفته و متنوع، جامعه مدنی فعال، نظام قضایی مستقل و به‌طور خلاصه یک جبهه داخلی مستحکم که دولت اسیر فشارهای کشورهای صنعتی نباشد، کسب کند. بعد دیگر این مسئله، کاهش تنشها با کشورهای هم‌جوار و تلاش برای گسترش مناسبات و همکاری با آنها می‌باشد. اگر چنین امری به وقوع بپیوندد، همانند کشورهای اتحادیه اروپا، ترس کشورهای کوچک از کشورهای بزرگ در منطقه کمتر می‌شود و این مسیر بی‌بازگشتی است که هر چقدر هم دشوار باشد، می‌بایستی طی شود.

## ۵. منصوب کردن اعضای مجلس

**ملی و مشورتی؛** یکی دیگر از سوءاستفاده‌های دولت، منصوب کردن اعضای مجلس ملی و مشورتی می باشد. گویی فرزندان این کشور، ناتوان و ناقص‌العقل هستند و نمی‌توانند فردی که نمایندگیشان را بر عهده گیرد، انتخاب کنند. نصب این افراد به معنی حقیر شمردن مفهوم شهروندی و نمایندگی است. اصولاً چگونگی ممکن است که مجلسی اقدام به نظارت بر اعمال دولت کرده و از منافع گروه‌های جامعه دفاع کند، قانون‌گذاری و نظارت مالی نماید در حالی که اعضای آن از سوی دولت تعیین شوند و حقوق و مزایای خویش را از دولت بگیرند؟ در واقع، این مجلسها مرده متولد شده‌اند و شهروندان وجود آنها را حس نمی‌کنند زیرا فقط به دولت و منافع دولت خدمت می‌نمایند.

## ۶. عدم ارایه صحیح آمار و

**اطلاعات؛** این قضیه به خصوص در بندهای بودجه عمومی کشور، چه در بخش درآمدها و چه در بخش هزینه‌ها وجود دارد. برای مثال، گزارش جدید صندوق بین‌المللی پول اشاره می‌کند که آمارهای مالی دولت امارات

شفاف نیستند و شناخت وضعیت مالی این کشور دشوار می باشد. به عنوان نمونه، درآمد دولت از سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور معلوم نیست، هزینه خانواده‌های حاکم و دیوانهای حکومتی مشخص نمی باشد و نحوه سرمایه‌گذاریهای خارجی و عربی در هریک از امارتها نظیر ابوظبی، دبئی و شارجه به گونه‌ای است که گاه در بودجه ملی منعکس نمی شود.

## ۷. افزایش بیکاری؛ در سالهای اخیر

بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهها به طور متوسط بیش از یک سال به دنبال کار می‌گردند تا به شغل و درآمدی دست یابند. این در حالی است که نسبت نیروی کار خارجی در این کشور به بیش از ۷۸ درصد از مجموع کاررسانیده و بیش از ۹۵ درصد از نیروی کار در بخش خصوصی را در بر می‌گیرند. در عین حال، بسیاری از فارغ‌التحصیلان به دلیل داشتن رابطه و پارتی‌بازیهایی که با مسئولان و مقامات سیاسی و اداری دارند، بدون آنکه دارای صلاحیت علمی و تواناییهای ذاتی باشند، در پلکان اداری به سرعت رشد می‌کنند.

## ۸. تجارت روادید؛ گروهی از افراد

بانفوذ با فروش ویزا به کسانی که معتقدند

#### ۱۰. نقش سازمان اطلاعات:

سازمان اطلاعات امارات اگرچه آن خوشنیتی را که دیگر سازمانهای اطلاعاتی کشورهای همسایه دارند، از خود بروز نمی دهد، اما گاهی به جای جامعه تصمیم گیرها و اقداماتی می نماید که نشان دهنده یکی از جلوه های فساد دولتی می باشد. بستن مساجد پس از نماز، تحمیل خطبه هایی یکسان و نوشته شده به ائمه جمعه، ممانعت از تدریس بعضی از اعضای هیئت علمی دانشگاه امارات به اتهام ارتباط با گروههای اسلام گرا، ممانعت از فعالیت بعضی از فرهیختگان و چاپ مطالبشان در روزنامه های محلی بدون ارایه هیچ دلیلی، اخراج و یا بازنشستگی اجباری بعضی از کارکنان دولت و یا نظامیان به اتهام ارتباط با اخوان المسلمین یا گروه القاعده، بدون آنکه این افراد جرمی مرتکب شده باشند و یا دلیلی علیه آنها وجود داشته باشد، بدیهی است که این گونه فعالیتهای اطلاعاتی - امنیتی، نه موجب ایجاد اعتماد و اطمینان خاطر میان مردم می شود، نه امنیت واقعی را برقرار می سازد، نه دشمنان را باز می دارد و

فرصت طلایی زندگیشان کار در منطقه خلیج [فارس] می باشد، به کسب سریع درآمد می پردازند. کسانی که به خرید این نوع روادید می پردازند، اغلب با بیکاری و یا با شرایط معیشتی دشواری روبه رو می شوند و یا اینکه از سوی صاحب کاران خود با سختیها و مشکلاتی برمی خورند. این مسئله به افزایش جرم و جنایت منجر شده و ممکن است در آینده منجر به واکنشهای سیاسی و امنیتی در جامعه شود.

#### ۹. قاچاق کودکان: زشت ترین جلوه

فساد، قاچاق کودکان آسیایی هفت تا ده ساله و استفاده از آنها در مسابقات شن سواری به دلیل کمی وزنشان و آسان تر شدن شرایط پیروزی برای صاحبان شترها می باشد. این کار تنها به خاطر چند درهمی که خانواده آن کودک بدان نیازمند می باشند، صورت می گیرد. گفته می شود که دولت امارات از سال ۲۰۰۲ و در اثر فشارهای خارجی مثل کمیته های حقوق بشر و غیره، مبادرت به تعیین حداقل سن و وزن برای این کودکان کرده اند. اما این امر در حد قول است و در عمل نمی توان چیزی

به عقب می‌راند و نه به رونق اقتصادی کمک می‌کند.

## آثار اقتصادی

### ۱. میزان درآمدهای عمومی و

صلاحیت استفاده از آن؛ زمانی که یک رابطه ناقص میان دولت و ملت وجود داشته باشد و جامعه نظارتی بر تصمیم‌های دولتی نداشته باشد، آنگاه درآمدهای عمومی، چه نفتی و چه غیرنفتی کمتر از سطح مطلوب و بالعکس هزینه‌ها فراتر از آنچه که باید باشد، خواهد بود. در حال حاضر نه تنها هیچ‌گونه نظارت مردمی بر درآمدهای نفتی وجود ندارد، بلکه درآمدهای غیرنفتی نیز نظیر مالیات، تعرفه‌های گمرکی، قبضه‌های برق و تلفن نیز در پرتو نبود شفافیت در عملکرد دستگاه‌های اجرایی و بی‌قانونی حاکم بر آنها، از هرگونه نظارت و محاسبه‌ای دور هستند. کسانی که به دایره قدرت نزدیک هستند و یا این درآمدها را در کنترل دارند، به راحتی از پرداخت مالیات و حتی قبضه‌های برق و تلفن خود طفره می‌روند، در حالی که آنهایی که به احترام به قوانین معتقدند و یا از دایره قدرت فاصله دارند، مجبور به رعایت

تمامی این موارد می‌باشند. حتی تغییر بعضی از سازمانها و شرکتهای دولتی و واگذاری آنها به بخش خصوصی، مثل شرکت برق ابوظبی که به بخش خصوصی واگذار شد، هم مثمرتر نبود؛ زیرا این نوع از خصوصی‌سازیها بیشتر تبدیل شرکتی دولتی به شرکتی شبه دولتی است تا تبدیل آن به شرکتی خصوصی که از سوی شهروندان مدیریت شود. هزینه‌ها نیز همچون درآمدها توأم با فساد و اسراف می‌باشد. دولت برای حمایت از موقعیت امنیتی و اقتصادی خود، پولهای گزافی را خرج سازمانهای اطلاعاتی، رسانه‌های دولتی و تبلیغاتی، خرید حمایت مردمی و کسب تأیید قدرتهای خارجی می‌کند. این در حالی است که جوامع غربی درآمد رؤسای جمهور خود را با شفافیت کامل اعلام می‌نمایند. هیچ‌گاه نشنیدیم که خانواده بوش یا کلینتون به جز حقوق ریاست جمهوری‌شان از ثروت عمومی جامعه نیز سهمی داشته باشند، آنها مجبورند مثل بقیه افراد جامعه مالیات خود را بدهند و اگر هدایایی چندصد دلاری به آنها داده شود، مورد پرس و جو و تحقیق قرار می‌گیرند. صاحب منصبان دولت به راحتی در بخش

خصوصی نیز فعالیت می کنند و به دلیل نفوذ خود در دولت یا همان بخش عمومی، بر بخش خصوصی نیز تأثیر مخربی می گذارند. تجارت اسلحه، خرید و فروش زمین، دریافت نمایندگی شرکتهای بزرگ جهانی و غیره از نمونه های بارز تداخل مسئولیتها و اختلاف درآمدهای عمومی و شخصی است.

## ۲. سرمایه گذاری و رشد اقتصادی:

فساد اداری نیروی فراری دهنده سرمایه گذاری تولیدی، اندیشه های ابتکاری و دلسوزانه کشور است. فساد اداری همچون فساد سیاسی، توسعه را محدود و میانگین رشد را پایین نگه می دارد. برای مثال، می توان به الگوی توسعه ای دبی و ابوظبی اشاره کرد. منابع درآمد ابوظبی بسیار بیشتر از دبی است، اما نحوه استفاده از منابع درآمد در دبی، این شهر را به یکی از بهترین شهرهای جهان تبدیل کرده است. در دبی قانون به درستی اجرا می شود، بوروکراسی اداری در حداقل قرار دارد. برنامه ریزی برای شهر و یک پارچگی تصمیم گیری و نرمی قوانین اقتصادی، باعث شده است دبی شهری جذاب برای همه باشد.

در امسارت دبی، مثل ابوظبی،

مشارکت سیاسی و نظارت مردمی بر تصمیم گیری سیاسی وجود ندارد، اما تصمیم گیرندگان توانسته اند دستگاه اداری فعالی را ایجاد کنند، گردشگری را توسعه دهند، حجم صادرات و صادرات مجدد را به میلیاردها دلار در سال برسانند، اسکله ها همواره در حال فعالیت دایم و روان هستند، میلیونها مسافر سالانه از فرودگاه دبی استفاده می کنند و هواپیمایی امارات نیز در مدت زمانی کوتاه، آوازه ای جهانی پیدا کرد. اما در مقابل، ابوظبی به دلیل عدم انتخاب برنامه ریزی صحیح در توسعه و رشد و نداشتن جدیت در مبارزه با فساد سیاسی و اداری و پراکندگی سازوکار تصمیم گیری، نتوانسته است به رشد و توسعه دبی دست یابد. اما به دلیل درآمدهای نفتی این امارت، فسادها و ناتوانیها و شکستهای اقتصادی مشخص نمی شود و به نظر می رسد مسیر توسعه این شهر هم مناسب و مطلوب است. بدون شک اگر ارتباط میان ملت و دولت در این کشور تکامل می یافت و بر سیستم اداری نظارتی مردمی صورت می گرفت، موفقیت هر دو شهر، بزرگ تر و پایدارتر می شد. ابوظبی برای پیشرفت و ارتقاء بیشتر باید با

فساد اداری و سیاسی اعلان جنگ کند، حتی اگر در این راه افرادی از خاندان حاکم متضرر شوند. انتخاب مسئولان و رؤسای ادارات نباید بر مبنای خویشاوندی و یا اصل و نسب قبیله‌ای و یا سیاسی باشد. نظام قضایی باید پاک و مستقل بماند و ضمن استفاده از تجربه‌های دبی به دنبال تکرار پروژه‌های این شهر نباشد، بلکه ضمن تقویت دبی، به عنوان عضوی از امارات متحده عربی، در جامعه جهانی در صدد افزایش میانگین رشد اقتصادی خویش از طریق جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی باشد.

### ۳. فقر و عدالت توزیع: یکی از آثار

منفی در رشد لحام گسیخته و کنترل نشده اقتصادی، بروز شکاف در جامعه و افزایش فقر می‌باشد. به ویژه اگر به دلایلی سطح رفاه اقتصادی در برهه‌ای از زمان کاهش یابد، گروه‌های غنی تر سعی خواهند کرد که وضعیت معیشتی خود را حفظ کنند و در مقابل بر افشار آسیب‌پذیر فشار مضاعفی وارد می‌آید. این امر موجب از بین رفتن عدالت اجتماعی می‌شود و در نتیجه به تعمیق شکاف میان مردم و حاکمان می‌انجامد.

### شیوه‌های درمان

فساد ارتباط مستقیمی با میزان بسته بودن و احتکار فرایند تصمیم‌گیری و ارتباط معکوسی با آزادی عمل و بیان و مشارکت مردم در امور سیاسی دارد. در امارات متحده عربی برای بررسی میزان بسته بودن و احتکار فرایند و فضای تصمیم‌گیری، نیاز به جستجو نیست؛ زیرا بسیاری از وزارت خانه‌ها، سازمانها، باشگاههای ورزشی، فدراسیونها و مؤسسه‌های خیریه در اختیار یکی از اعضای خاندان حاکم می‌باشد و اکثر این اعضا به دلیل صلاحیت، تجربه و یا رشد فعالیت شغلی به چنین موقعیتی نرسیده‌اند، بلکه زیر چتر «فردی از خاندان حاکم» این مقامها را در اختیار گرفته‌اند. چنین شیوه‌ای در دریافت پست و مقام، عاملی برای فساد می‌باشد. در واقع، چنین مسئله‌ای نشان می‌دهد که منافع یک گروه از جامعه بر منافع همه جامعه ارجحیت دارد و نتیجه آن چیزی نیست جز ائتلاف سرمایه مالی و انسانی؛ زیرا فرزندان خاندان حاکم در پرتو همین ضمانت شغلی هیچ انگیزه‌ای برای تلاش و پیشرفت ندارند. بدون شک امارت ابوظبی بیش از دیگر امارتها با این

مسئله مواجهه است. بنابراین برای تحقق پیشرفت و امنیت در جامعه امارات، باید در میان تمامی شهروندان برابری و مساوات وجود داشته باشد و هیچ خاندان و گروهی بر دیگری برتری نداشته باشد. در این نوشتار مجالی برای بررسی سازوکارهای انتقال و تحول در نظام سیاسی وجود ندارد، اما چنانچه قرار باشد نظام شورایی اسلامی یا پادشاهی مشروطه و یا هریک از اشکال دموکراسی معاصر تأسیس گردد، می بایستی برخاسته از خواسته یک پارچه مردم باشد و آزادیهای واقعی نظیر تشکیل پارلمانهای منتخب مردم، نظام قضایی مستقل، روزنامه های آزاد و احزاب سیاسی مستقل را تأمین کند.

### نتیجه گیری

اگر بپذیریم که فساد، سوءاستفاده از قدرت می باشد، می توان گفت که در امارات متحده عربی فساد بسیاری وجود دارد که درجه آن از امارتی به امارت دیگر متفاوت است. از جلوه های این فساد می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. دخالت در قوه قضاییه، ائتلاف

اموال عمومی، هزینه بیهوده تسلیحاتی، عدم شفافیت در تصمیم گیری و غیره؛  
۲. شهروندی ناقص و نبود هرگونه نظارتی از سوی جامعه بر قدرت و ثروت دولت، نبود مشارکت سیاسی و متمایز بودن خاندان حاکم از دیگر گروهها و طبقات جامعه؛

۳. گسترش فقر و کاهش عدالت اجتماعی و عدالت در توزیع ثروت جامعه.  
بهترین راهکار و علاج این فساد در ارتقاء مفهوم و نقش شهروندی در جامعه، مشارکت سیاسی فعال از طریق ایجاد پارلمان منتخب، رسانه های آزاد، قوه قضاییه مستقل، شفافیت در تصمیم گیریها، جدایی بین اموال عمومی و خصوصی و تکامل جامعه مدنی نهفته است.